



## دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

ISSN: 2783-2384

- برخی از ویژگی‌های شعر کلاسیک کودک و نوجوان ایران
- بررسی لغراض ثانویه در پنج اثر حمیدرضا شاه آبادی
- بررسی تطبیقی الفسانه «صاهپیشونی» و «افسانه «خاکسترنشین»
- تألیف اقلیم در سازتولید ادبیات بومی با تمرکز بر بازخوردهای تربیتی و پرورشی کودکان و نوجوانان
- تحلیلی بر اقتباس از بوستان و گلستان سده‌ی برای کودک و نوجوان در آثار مزگان شیخی (گروه سنی ۵-۱۲ تا ۱۲-۱۳۹۱)
- جایگاه ادبیات کودکان در کتاب‌های فارسی اول تا سوم دبستان
- حرکت از ساختار به سمت معنا و دوقلمبی‌های فسمی تا مشخصه‌های ادبیات کودک جهانی
- شناسایی ایجاد تجربه بازدیدکننده موزه مناسب با ایران
- تفسیری کتبک و مانگا برای مخاطب کودک و نوجوان
- کنشگران زن در حکایت‌های مرزبان‌نامه براساس الگوی کنشی گریمناس و مناسب سازی آن‌ها برای کودکان
- متن‌شناسی دو داستان «ماشو در مه» و «هستی» فرهاد حسن‌زاده بر اساس نظریه کنش گفتار سول
- مقایسه درون‌مایه‌های داستان کودکان در ایران و مصر با تأکید بر آثار هوشنگ برادی کرمانی و یعقوب الشارونی
- مهارت‌پروری در دانش‌آموزان: ضرورت عصر انقلاب صنعتی چهارم

ISSN: 2783-2384

شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

## Journal of Research in Children's Literature in Iran

Number 7, Autumn & Winter 2022

ISSN: 2783-2384

- Some of the specifications of children and adolescents' classic poetry of Iran
- Scrutinizing the secondary purposes of "Question" in Hamid Reza Shahabad's five books
- A comparative analysis of the legend of "Mah-pishuni" and the legend of "Khakestarneshin"
- Evaluating the effect of climate on the reproduction of native literature focusing on educating and cultivating impacts of children and adolescents
- Analyzing the works of Mozghan Sheikh in adaptation from Bustan and Golestan for children and adolescents (age group of ten to twelve from 2002 to 2012)
- The position of children's literature in the Persian books from the first to the third grades
- Movement from structure toward meaning and implicit dipoles to the global specifications of children's literature
- Analyzing the dimensions of the museum visitor's experience according to the interpretation tools of comics and manga for children and teenagers
- Female Protagonists in the Tales of "Marzbān-nama." According to Greimas's Action Model and their Suitability for Children
- Transcription of two stories "Mashu dar meh" and "Hasti" by Farhad Hasanzadeh based on Searle's theory of speech action
- Comparing the themes of children's stories in Iran and Egypt underlining the works of Hushang Moradi Kermani and Yaghub Alsharuni



# مقایسه درون‌مایه‌های داستان کودکان در ایران و مصر با تأکید بر آثار هوشنگ مرادی کرمانی و یعقوب الشارونی

امیر چناری<sup>۱</sup> و امانی ابوالسعود<sup>۲</sup>

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

## چکیده

موضوع پژوهش حاضر مقایسه درون‌مایه داستان‌های کودکان در ایران و مصر با تأکید بر آثار هوشنگ مرادی کرمانی و یعقوب الشارونی است. داستان‌های کودکان نقش بنیادین و سازنده در تکوین میراث و هویت فرهنگی و ادبی در هر جامعه دارد. همچنین تعیین ساختار این نوع از ادبیات در جامعه ایرانی و مقایسه آن با جامعه مصری کمک می‌کند تا ریشه‌های مشترک فرهنگی، تاریخی و ادبی بازیابی شود. در این پژوهش سعی شده درون‌مایه‌های پنج داستان از هوشنگ مرادی کرمانی یعنی نخل، خمره، مرتبای شیرین، تنور، چکمه و پنج داستان از یعقوب الشارونی یعنی کور و گنج صحرا، سورپرایز جشن آخر، گم‌شده در قنات، ارواح در نیمه شب، حسناء و مار پادشاهی بررسی، تحلیل و مقایسه شود. همچنین تلاش شده است که درون‌مایه‌های مشترک و متفاوت در آثار آن‌ها بررسی و مشخص شود. برخی از درون‌مایه‌های مشترک میان آثار این دو نویسنده عبارت‌اند از: فقر، کمبود امکانات برای مدرسه در روستاهای دور، شایعات، یتیمان و اعتقادات روستاییان. هر چند درون‌مایه‌های داستان‌های مرادی کرمانی و الشارونی کاملاً شبیه هم نیستند، ولی هر دو ایشان به درون‌مایه‌های مربوط به مسائل اخلاقی فراوان پرداخته‌اند. نیز هر دو نویسنده با توجه به نگارش رئالیستیشان به طبقات پایین جامعه توجه می‌کنند. برخی از درون‌مایه‌های متفاوت میان دو نویسنده، عبارت‌اند از: شایعات، سوء‌مصرف مواد غذایی در آثار مرادی کرمانی؛ آزمندی، شجاعت و نیز ستمگری حکومت در آثار یعقوب الشارونی.

واژه‌های کلیدی: مسائل اجتماعی، درون‌مایه، هوشنگ مرادی کرمانی، یعقوب الشارونی.

## مقدمه

ان در هر جامعه‌ای بیانگر شیوه نگرش نویسندگان به دنیای کودک، شیوه زندگی، مسائل، مشکلات اجتماعی، خانوادگی و اخلاقی کودکان در آن جامعه است. در جامعه ایران و مصر، در دوره معاصر، گذشته از اشتراک در فرهنگ اسلامی، برخی تفاوت‌ها نیز وجود دارد که در قصه‌های کودکان انعکاس یافته است. ادبیات کودکان و نوجوانان بخشی از ادبیات غنی و گسترده هر کشور است که به سبب نقش و تأثیر فراوانی که در تربیت مخاطبان دارد، امروزه همه روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت به اهمیت این ابزار برنده و مؤثر واقف‌اند و از مربیان، نویسندگان، شاعران و سایر پدیدآورندگان آثار کودکان انتظار دارند تا با مطالعه ابعاد شخصیتی کودک، به نیازهای ذهنی، عاطفی، اجتماعی و بدنی او در سنین و دوره‌های مختلف پی ببرند و آثاری شایسته و مناسب و خالی از ایرادات ادبی و روان‌شناختی، برای آن‌ها پدید آورند؛ زیرا که قدرت و سرعت یادگیری کودکان بیشتر از بزرگسالان است و دوام و

پایداری آن نیز زیاده‌تر است؛ چنانکه نیز گفته‌اند: «العلم فی الصغر کالنقش علی الحجر»، آموختن علم در کودکی همانند نقشی است که بر روی سنگ زده می‌شود، کنایه است از اینکه تأثیر و دوام بیشتری دارد. اما از نظر پدیده اجتماعی شدن کودکان، سخن بسیار گفته‌اند. این پدیده در مراحل گوناگون رشد، به یک نحو جریان نمی‌یابد؛ زیرا پیازه، در تحول عقل سه مرحله تشخیص داده است: در مرحله اول، اعمال حسی و حرکتی؛ مرحله دوم، فکر تصویری و در مرحله سوم، اعمال درونی شده ذهن غلبه دارد. در هر یک از این مراحل، جامعه دخالت می‌کند. (گورویچ، ۱۳۶۹: ۲۷) همچنین از طرفی واقع‌گرایی در ادبیات کودکان، نه گنجاندن مواضع اخلاقی است و نه دادن شعار، بلکه منظور این است که کودک با زندگی واقعی و روزمره آشنا بشود. داستان واقعی یک‌بعدی نیست، بلکه تصویر می‌کوشد تا مسائل اجتماعی را تصویر کند.

## موضوع و درون‌مایه در داستان‌نویسی

در هر اثر داستانی، عناصری وجود دارد که قرار گرفتن آن‌ها در کنار هم منجر به آفرینش یک اثر واحد می‌گردد. این عناصر عبارت‌اند از: شخصیت‌ها، فضا و مکان، هسته داستان، موضوع، توصیف، درون‌مایه و غیره. هر اندازه این عناصر بهتر در کنار هم قرار بگیرند و پیوند محکم‌تری میان آن‌ها برقرار گردد، اثر نهایی از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود. در داستان این وظیفه مهم، یعنی هماهنگ کردن اجزای داستان، بر عهده عنصر درون‌مایه است. در واقع، درون‌مایه دیگر عناصر داستانی را انتخاب می‌کند و میان آن‌ها هماهنگی ایجاد می‌نماید.

در تعریف درون‌مایه آمده است: «درون‌مایه، مضمون یا تم، فکر اصلی و مسلط هر اثر ادبی است. خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. به بیانی دیگر، درون‌مایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند و به همین جهت است که می‌گویند درون‌مایه هر اثری جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد». (میر صادقی، ۱۳۸۵: ۱۷۴)

موضوع، یک اندیشه کلی و زیربنایی است که با توجه به مناسبات ملموس و وقایع داستان توصیف می‌شود، اما درون‌مایه دارای بیانی انتزاعی است. معمولاً موضوع داستان در یک کلمه قابل بیان است: عشق، انتقام، حسادت، مرگ، نبرد خوبی و بدی و تمام اندیشه‌های اساسی انسان درباره زندگی. درون‌مایه یک اثر نیز معمولاً در یک جمله خلاصه می‌شود. در واقع درون‌مایه، نگاه نویسنده به هر یک از موضوعات است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که به تعداد نویسندگان، درباره یک موضوع خاص، درون‌مایه وجود دارد، زیرا درون‌مایه مطابق تعریف، دریافت و تجربه شخصی نویسنده به یک موضوع است. برای مثال موضوع عشق را در نظر بگیریم؛ عشق یک موضوع اصلی و شاید زیربنایی‌ترین موضوع داستان است که از آغاز مورد توجه نویسندگان در سراسر دنیا واقع شده است. تاکنون هزاران داستان کوتاه و بلند با این موضوع به رشته تحریر درآمده است اما هیچ یک از این داستان‌ها به یکدیگر شباهت کامل ندارند. حتی داستان‌هایی که به تقلید از یک اثر نوشته شده‌اند، باز هم به‌طور کامل بر هم منطبق نیستند. این تفاوت، همان درون‌مایه است که تجربیات و دیدگاه نویسنده در شکل‌گیری آن نقش مستقیم دارد. (انوشه، ۱۳۷۶: ۵۸۸)

تشخیص درون‌مایه همیشه به این سادگی نیست. نویسندگان غالباً ترجیح می‌دهند که درون‌مایه را به‌طور مشخص و واضح در اختیار خواننده قرار ندهند و خواننده باید با خواندن کل متن به این دریافت دست پیدا کند. گاهی فکر حاکم و مسلط بر اثر، در قالب سخنان شخصیت‌های داستان به‌ویژه قهرمان ارائه می‌شود. (اسکوکز، ۱۳۷۷: ۲۲)

## انواع درون‌مایه در داستان

۱. درون‌مایه روشن و آشکار (explicit): اگر نویسنده درون‌مایه اثر را به صورت کاملاً آشکار و صریح بیان کند (بهشتی‌فرد، ۱۳۹۰: ۴۸).

۲. درون‌مایه پنهان (implicit): درون‌مایه‌هایی که به صورت غیرمستقیم در داستان از جمله در سرنوشت و ستیزه‌های

داستان، سرشته شده است. (پولادی، ۱۳۸۶: ۲۳۱)

۳. درونمایه تهی (null): این درونمایه را مرتضی خسرونژاد به نوع اول و دوم می‌افزاید و می‌گوید: «درونمایه سوم، درونمایه تهی یا پوچ یا حذف‌شده است. درونمایه تهی به درونمایه‌هایی گفته می‌شود که نویسنده اصلاً آن‌ها را مطرح نمی‌کند و جای آن‌ها در نوشته خالی است». (همان)

## زندگی‌نامه هوشنگ مرادی کرمانی

هوشنگ مرادی کرمانی در سال ۱۳۲۳ در روستای سیوچ از توابع بخش شهید کرمان متولد شد و تا کلاس پنجم ابتدایی در آن روستا درس خواند و همراه پدر بزرگ و مادر بزرگش زندگی کرد. مادرش از دنیا رفته بود و پدرش دچار نوعی ناراحتی روانی-عصبی شده بود و قادر به مراقبت از فرزندش نبود. از همان سنین کودکی به خواندن علاقه خاص داشت و عموی جوانش که معلم روستا بود در این علاقه بی‌تأثیر نبود. پس از تحصیلات ابتدایی به کرمان رفت و تا ۱۵ سالگی در آنجا زندگی کرد و در این دوره بود که شیفته سینما هم شد. دوره دبیرستان را در یکی از دبیرستان‌های شهرستان کرمان گذراند و سپس وارد دانشگاه شد. وی پس از مهاجرت به تهران، دوره دانشکده هنرهای دراماتیک را در این شهر گذراند و در همین مدت در رشته ترجمه زبان انگلیسی نیز لیسانس گرفت. از سال ۱۳۳۹ در کرمان و همکاری با رادیو محلی کرمان نویسندگی را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷ با چاپ داستان در مطبوعات، فعالیت مطبوعاتی‌اش را گسترش داد.

وی فعالیت‌های هنری خود را از سال ۱۳۴۰ با رادیو کرمان آغاز کرد و بعد این فعالیت را در تهران ادامه داد. نویسندگی را از سال ۱۳۴۷ با مجله خوشه آغاز کرد. سپس قصه‌های مجید را برای برنامه (خانواده) رادیو ایران نوشت. همین قصه‌ها، جایزه مخصوص (کتاب برگزیده سال ۱۳۶۴) را نصیب وی ساخت.

اولین داستان وی به نام «کوچه ما خوشبخت‌ها»، در مجله خوشه (به سردبیری ادبی شاملو) منتشر شد که حال و هوای طنزآلود داشت. در سال ۱۳۴۹ یا ۱۳۵۰ اولین کتاب داستان وی «معصومه» حاوی چند قصه متفاوت و کتاب دیگری به نام «من غزال ترسیده‌ای هستم» به چاپ رسیدند. در سال ۱۳۵۳ داستان «قصه‌های مجید» را خلق می‌کند، داستان پسر نوجوانی که همراه با «بی‌بی»، پیرزن مهربان، زندگی می‌کند. همین قصه‌ها، جایزه مخصوص «کتاب برگزیده سال ۱۳۶۴» را نصیب وی ساخت. اما اولین جایزه نویسندگی‌اش به خاطر «بچه‌های قالیباف‌خانه» بود که در سال ۱۳۵۹ جایزه نقدی شورای کتاب کودک و جایزه جهانی اندرسن در سال ۱۹۸۶ را به او اختصاص داد. این داستان سرگذشت کودکانی را بیان می‌کند که به خاطر وضع نابسامان زندگی خانواده مجبور بودند در سنین کودکی به قالیباف‌خانه‌ها بروند و در بدترین شرایط به کار پردازند. در مورد نوشتن این داستان می‌گوید: «برای نوشتن این داستان ماه‌ها به کرمان رفتم و در کنار بافندگان قالی نشستم تا احساس آن‌ها را به خوبی درک کنم». درک و لمس آنچه که می‌نویسد از خصوصیات نویسندگی کرمانی است که در تمام داستان‌های او می‌توان احساس کرد. می‌توان گفت مرادی با تمام وجود می‌نویسد.

از هوشنگ مرادی کرمانی تاکنون نه کتاب داستان انتشار یافته است که برخی از آن‌ها به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، هلندی، عربی و ارمنی ترجمه شده و همچنین هجده فیلم تلویزیونی و سینمایی بر اساس داستان‌های او به تصویر درآمده است.

آثار ترجمه‌شده وی جوایزی را از مؤسسات فرهنگی و هنری خارج از کشور به دست آورده است؛ از جمله: جایزه دفتر بین‌المللی کتاب‌های نسل جوان ۱۹۹۲ (IBBY) و جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن.

برخی از آثار مرادی کرمانی عبارت‌اند از:

۱. قصه‌های مجید، پنج جلد ۳۸ داستان، انتشارات سحاب، چاپ دوازدهم ۱۳۷۳.

۲. بچه‌های قالیباف‌خانه، دو داستان، انتشارات سحاب، چاپ چهارم ۱۳۷۲.

۳. نخل، یک داستان بلند، انتشارات سحاب، چاپ سوم ۱۳۷۲.
۴. چکمه، داستان برای کودکان ۶ تا ۱۰ ساله، انتشارات سحاب، چاپ سوم ۱۳۷۲.
۵. داستان خمیره، داستان بلند، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ سوم ۱۳۷۳.
۶. مشت بر پوست، داستان بلند، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۷۴.
۷. تنور، مجموعه داستان، انتشارات پروین، چاپ اول ۱۳۷۳. (قندهاری، شقایق، نشریه کتاب ماه و کودک، بهمن ۱۳۷۹، شماره ۴۰: ۲۰).

## زندگی‌نامه یعقوب الشارونی

یعقوب اسحاق قلینی شارون در سال ۱۹۳۱ ماه ۱۰ فوریه در شهر قاهره به دنیا آمد. او فرزند پنجم در میان هفت برادر و چهار خواهر بود. در محیطی احترام رشد خواندن در خانه می‌توانید یک کتابخانه بزرگ و یک منطقه باغ دوست داشتنی در منطقه مصر قدیمه رشد کرد. پدرش عاشق خواندن بود و برادر بزرگترش (یوسف شارون) نویسنده شناخته‌شده‌ای بود که فلسفه می‌خواند. او خیلی تأثیر رویش گذاشت و از او شش سال بزرگ‌تر بود. یعقوب اسحاق همان تخصص برادرش را انتخاب کرد. البته داستان است که توسط خواهر بزرگ جرقه اولیه به آتش تخیل و تحریک‌کننده علاوه بر قصه‌هایی از مادر بزرگش به مادرش و او آنها را شنیده بود. وقتی که او به روستای شارونه در استان منیا در تعطیلات تابستان می‌رفت، و او در سن سه سالگی بود. پدر بزرگ او صاحب یک کپی نادر از هزارویک شب بود و در تعطیلات تابستان شروع به خواندن آن‌ها کرد. مدرک لیسانس حقوق را در سال ۱۹۵۲، مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد سیاسی را در سال ۱۹۵۵ از دانشکده حقوق دریافت کرد، در سال ۱۹۵۸ دیپلم اقتصاد کاربردی از دانشکده حقوق دانشگاه قاهره به‌دست آورد و در دانشگاه قاهره فارغ‌التحصیل شد. (منصور، براهیم منصور، ۲۰۰۳: ۴۰).

او یکی از پیشگامان ادبیات کودکان در مصر و جهان عرب بود. وباب در روزنامه الاهرام می‌نویسد تحت عنوان هزار داستان داستان از سال ۱۹۸۱. در سال ۱۹۵۳ به‌عنوان نماینده دولت قضایی مصر منصوب شد. در سال ۱۹۵۴ وکیل امور خارجه قضایی معین شد تا زمانی که او به سمت معاون امور خارجه قضایی رسید.

در سال ۱۹۶۰ جایزه اول شورای عالی برای هنر و ادب از نمایش به عنوان قهرمانان از کشور ما دریافت کرد. در سال ۲۰۰۱ برنده جایزه ویژه هیئت داوران مسابقه سوزان مبارک برای ادبیات کودک در زمینه نوشتن برای کتاب خود (قصه‌های عامیانه زیبا) و دریافت شده، و در سال ۲۰۰۲ همین کتاب نیز جایزه افق‌های جدید نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودکان بولونیا در ایتالیا را دریافت کرد. (الشارونی، هاله، ۲۰۱۶: ۷).

برخی از آثار یعقوب الشارونی عبارت‌اند از:

۱. ارواح در نیمه شب (نشریه دارالمعارف ۲۰۰۵)
۲. سورپرایز جشن آخر (نشریه دارالمعارف ۲۰۱۳)
۳. گمشده در قنات (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۱۲)
۴. کور و گنج الصحراء (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۱۲)
۵. ثروت زیر زمین (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۶)
۶. حسناء و مار پادشاهی (نشریه دارالمعارف چاپ سوم ۲۰۱۰)
۷. مرد سیرک (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۴)
۸. منیره و گربه‌اش شمسا (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۵)

۹. مرمر و بابا البجعه (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۵)
۱۰. درخت در قایق رشد می‌شود (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۲)
۱۱. فرزندان بال را دارند (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۶)
۱۲. تنبل و تاج السلطان (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۷)
۱۳. پرندگان رویاها (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۶)
۱۴. فرزندان در طوفان (نشریه دارالمعارف چاپ ۲۰۰۷) (عبدالسلام فاروق، ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰، نشریه الاهرام، چاپ العربیه).

## شباهت‌ها در درون‌مایه‌های ده داستان از آثار مرادی کرمانی و یعقوب الشارونی

### ۱- فقر و محرومیت

مضامین در داستان‌های نویسنده هوشنگ مراد کرمانی و نویسنده یعقوب الشارونی غالباً بر پایه فقر است. گاهی به تصویر کشیدن صحنه‌هایی که بیانگر فقر است می‌توانند اعتراض نویسنده را به جامعه اعلام کند. چنین صحنه‌هایی در آثار هر دو نویسنده به وفور دیده می‌شود و «محرومیت» یکی از درون‌مایه‌های موجود در کتاب‌های این دو نویسنده است. بیان اشک‌ها و درگیری‌هایی که به دلیل دست نیافتن شخصیت‌های داستانی به خواسته‌های طبیعی و انسانی‌شان رخ می‌دهد. یکی از نشانه‌های بیان محرومیت‌های فردی و اجتماعی است که در قالب درون‌مایه آشکار می‌شود.

فقر، برای درست کردن خمره از دانش آموزان می‌خواهد از خانه‌های خود تخم‌مرغ به مدرسه بیاورند. این موضوع موجب درگیری والدین با دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با معلم می‌شود. نمونه‌ای از آن را در داستان خمره، نخل، تنور و... از مرادی کرمانی و در داستان‌های سورپرایز جشن آخر و گم‌شده در قنات از الشارونی، می‌توان دید.

«آقا گفت تخم‌مرغ و آهک و خاکستر بیاورید. من می‌خواهم تخم‌مرغ ببرم. تخم‌مرغمان کجا بود. خودمان تخم‌مرغ نداریم بخوریم، حالا بیاییم تخم‌مرغ بدهیم که ببری مدرسه خمره بچسانی!» (کرمانی، ۱۳۸۱: ۳۹)

«عمو امین که با نام الأفندی پیش اهل این روستا معروف است، معلم داوطلبانه روستای شارونه به شمار می‌رود. هر چند که اهالی روستا حق ایشان جز مواقع جمع‌آوری محصول و برداشتن پنبه را یاد نمی‌آورند.» (الشارونی، ۲۰۱۳: ۱۶)

### ۲- کمک و همیاری

در اغلب داستان‌های دو نویسنده مانند کمک به خانواده در داستان تنور که وقتی مادر مریم برای معالجه به شهر رفت و پدرش به جایش نان پخت؛ یا کمک به دوست در داستان ارواح نیمه شب، وقتی که در شب تاریک وجیه با حسین به روستای شیخ فضل رفت به‌رغم اینکه راه معروف به ارواح بود؛ و در داستان سورپرایز جشن آخر، کمک آقای امین افندی به بچه‌های روستا، وقتی داوطلبانه بدون دستمزد به ایشان درس داد؛ این نکته (کمک و همیاری) نقش مهمی دارد.

نمونه‌ای از آن از مرادی کرمانی:

«وقتی پدر مریم مادرش فرستاد شهر پیش دایی مریم تا معالجه کند و به جای مادر مریم پدر را نان پخت؛ و هم وقتی مریم تصمیم گرفت نان به جای پدرش بپزد.» (کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۲)

نمونه‌ای از آن از یعقوب الشارونی:

«برو و به پدرم خبر بدهید که من همراه حسین هستم. مادرش بیمار است باید برویم و یک پزشک پیدا کنیم.» (الشارونی،

### ۳- عشق، مهربانی و محبت به دیگران

هر دو نویسنده در داستان **چکمه و گم‌شده در قنات**، محبت مادر به فرزند را به تصویر کشیدند و کرمانی در داستان **نخل محبت** یتیم به نخلش را به تصویر کشیده که این نشانگر وابستگی او به درخت نخل است.

نمونه‌ای از آن از مرادی کرمانی:

«مادر به نفس افتاد؛ خسته بود. خواست لیلا را بیدار کند. اما، دلش نیامد». (کرمانی، ۱۳۸۱: ۸۰)

نمونه‌ای از آن از یعقوب الشارونی:

«دکتر سوسن دست محسن را گرفت و همراه وی به مقصد خانه عمو امین آقا شروع به حرکت کردند، محسن پسر هفت ساله امین آقا معلم صادق روستا مریض بوده دردهای شدید همه مفاصل» مفصل‌ها «بچه را فرا گرفته همراه با تب. دکتر سوسن برایش یک نسخه دارو تجویز کرده بود و امروز بعضی از داروهاش آورده و هر روز به خانه وی سر می‌زند تا از سلامتش اطمینان به دست بیاورد». (الشارونی، ۲۰۱۳: ۱۰)

### ۴- یتیمان

بدون شک حضور پدر و مادر به عنوان الگویی در زندگی کودک بسیار مهم است ولی زمانی که یکی از آن‌ها یا هر دو آن‌ها فوت می‌کنند، می‌توان فرد دیگری مانند دایی، پدربزرگ، خاله، عمه و... را به عنوان الگو، جایگزین آن‌ها کرد و در این شرایط خود پدر یا مادر یا هر دو که از دست‌رفته‌اند، همیشه به عنوان اسطوره‌ای در ذهن کودک باقی می‌مانند و این نکته در همه داستان‌های مرادی کرمانی و دو داستان حسناء و مار پادشاهی و گم‌شده در قنات، از آثار یعقوب الشارونی وجود دارد.

نمونه‌ای از آن از مرادی کرمانی:

«پدر و مادر و کس کاری هم ندارد که هر روز سراغش بیایند و چیزی بخواهند. خاله‌اش بزرگش کرده و حالا می‌خواهد از سر بازی کند». (کرمانی، ۱۳۷۹: ۱۱۱)

### ۵- تفاوت‌ها در درون‌مایه‌های ده داستان از آثار مرادی کرمانی و یعقوب الشارونی

#### ۱- ظلم و ستم

در داستان **گم‌شده در قنات**، نویسنده حادثه خیلی مهم که در تاریخ مصر و مصری‌ها فراموش نشدنی است. این حادثه که در هنگام کندن کانال سوئز است، چقدر مردم مصر بخاطر مصالح خدیوی سعید، جانشان را از دست دادند تا کار خدیویان و مستشار فرانسوی او دیلیسپس انجام شود و این کار در حق مردم ظلم بود.

نمونه‌ای از آن از یعقوب الشارونی:

«و این داستان اندوه (قصه‌ای غم‌انگیز) نزدیک دو سال طول کشید تا عالیجناب خودمان پادشاه سعید در گذشت اما در زمان خلیفه خود پادشاه اسماعیل بعد از چند سال طولانی این غم و اندوه تمام شد و حکومت مصر این کارها که بی‌مزد متوقف کرد و به دلیل فوت کردن بیشتر از صد و بیست هزار کشاورز هنگام کندن کانال این عملیات متوقف کرد». (الشارونی، ۲۰۱۲: ۴۸)

#### ۲- اتحاد

نویسنده در داستان **ارواح نیمه شب**، نکته‌ای برای اتحاد بیان کرده است و اینکه وقتی همه اهالی با دهخدا متحد شدند و دزدها را دستگیر کردند.

نمونه‌ای از آن از یعقوب الشارونی:

«حسین یواش یواش راه می‌رفت تا پیام خود را به مغازه‌دار برساند». (الشارونی، ۲۰۰۵: ۴۲)

«البته نگهبانان بعد از یک مدتی در راه‌های روستا حرکت کردند و مثل اینکه طبق معمول گشت‌های خودشان انجام می‌دهند سپس پی‌دربی آن‌ها را به صورت آهستگی به خانه مغازه‌دار و مغازه‌اش رد می‌شوند و او منتظر آن‌ها بوده است و بعد از اینکه همه چراغ‌ها خاموش کرد و دو نفر از نگهبانان به بام خانه صعود کردند و هر یکی از آن‌ها به صورت آرام خودش را قایم کرد». (الشارونی، ۲۰۰۵: ۴۲)

### ۳- امانت‌داری

امانت‌داری ضمن مسائلی بود که نویسنده در داستان **چکمه** به آن اشاره کرده است؛ اینکه وقتی یک لنگه از چکمه مریم افتاد و شاگرد راننده پیدایش کرد آن را به بلیطفروش داد تا آن را به صاحبش برساند.

نمونه‌ای از آن از مرادی کرمانی:

«آخر شب وقتی شاگرد راننده داشت اتوبوس را تمیز می‌کرد و زیر صندلی‌ها را جارو کشید، لنگه چکمه را پیدا کرد. خواست بیندازش بیرون حیفش آمد. فکر کرد چکمه مال بچه‌ای است که تازه برای او خریده‌اند چکمه نو نو بود.» (کرمانی، ۱۳۸۱: ۸۱)

### ۴- غیبت کردن

نویسنده در داستان **خمره** به این مسئله تأکید کرد که غیبت کردن کار خوبی نیست و نشان داد که مردم این روستا به هر چیزی و پشت سر هر کسی حرف می‌زنند، حتی گرگ‌های روستا از حرف ایشان در امان نیستند.

نمونه‌ای از آن از مرادی کرمانی:

«می‌دانیم که غیبت کردن از گناهان بزرگ است. اما چه می‌شود کرد، مردم اینجا جز پشت سر هم حرف زدن و چیزهایی به این و آن بستن، تفریح و سرگرمی دیگری ندارند.» (کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

### ۵- پیش‌قضاوت

دید ما به اشیاء و مسائل پیرامون خویش به گونه‌ای است که به سادگی تصور می‌کنیم همان دید واقعی است یا باید این‌گونه باشد. ما جهان هستی را می‌بینیم، اما نه آن‌گونه که هست، بلکه آن‌گونه که خودمان تصور می‌کنیم و این مسئله را در داستان **تنور دیدیم**، وقتی که همسایه به پدر مریم نظر بدی داشت.

نمونه‌ای از آن از مرادی کرمانی:

«نگاه کن، ببین خودش را به چه روزی انداخته. همه این‌ها از طمع روزگار است. خوب، مرد، می‌گفتی زنی بیاید برایت نان بپزد. حالا دو تا نان هم مزد دستش را می‌دادی، یا تکه‌ای نان بچه‌اش می‌خورد. بهتر از این بود که این بلا را سر خودت بیاوری و از زمین و آسمان خجالت بکشی.» (کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۳)

### ۶- قناعت و طمع‌کاری

نویسنده این مسئله را به نحو احسن در داستان **کور و گنج** بیان کرده است، نمونه‌ای از آن را وقتی دیدیم که تاجر شتران، عبدالله، به خاطر طمع ثروت بیشتر و قانع نبودن، همه داراییش را از دست داد و کور شد.

نمونه‌ای از آن از یعقوب الشارونی:

«شب و روز کار و تلاش کردم اما جز اندکی حاصل نشد (به دست نیاورده)؟!...» (الشارونی، ۲۰۱۲: ۸)



### ۷- سوء‌مصرف در خوراک منجر به بیماری‌های خطرناک

در داستان مربای شیرین نویسنده بیان کرده است که سوء‌مصرف در خوراک می‌تواند انسان را به بیماری‌های خطرناکی مبتلا سازد؛ و معروف‌ترین بیماری‌ها از شیرینی‌جات بیماری‌قند است.

نمونه‌ای از آن از مرادی کرمانی:

«نه خانم جان، کار تشنگی و این حرف‌ها نیست. فکر می‌کنم قند خونشان بالا رفته، مرض قند! این‌ها را ببر آزمایشگاه، ببین چه‌شان شده که این قدر بی‌تابی می‌کنند.» (کرمانی، ۱۳۷۷: ۷۰)

### ۸- اعتقادات و اطلاعات درباره اهالی صحرائشین مصر شرقی

مصادیق رفتاری در زندگی بدواه نشان از این است که محیط جغرافیایی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در رفتار انسان دارد چراکه در محیط باتوجه‌به معیشت، تقسیم کار و تخصص آن بسیار ساده است و بیشتر مشاغل به کشاورزی و دامپروری خلاصه می‌شوند و از طریق این مشاغل نیازهای اولیه و ضروری زندگی را برآورده می‌سازند و توجه کمتری به رفاه و تجملات دارند. همین عدم وابستگی به رفاه و تجملات، افراد را شجاع و بی‌پروا می‌کند و موجب می‌شود که احساس قوی هم‌بستگی داشته باشند. یعقوب الشارونی در داستان حسناء و مار پادشاهی، اطلاعات خوبی درباره زندگی صحرائشینان مصر شرقی و اعتقادات ایشان بیان کند.

نمونه‌ای از آن از یعقوب الشارونی:

«همه اعضای خانواده و قبیله‌های صحرائشین مصر شرقی میان رودخانه نیل و دریایی سرخ به صورت گروهی زندگی نمی‌کنند؛ حداقل فاصله بین هر کدام از آن‌ها بین شش تا هفت کیلومتر است.»  
 «هم دوست ندارند بین کنار چاه‌ها زندگی کنند چون هر کس فراری یا حرثه جو جز جای نزدیک به چاه آب دنبال نمی‌کنند تا از خطر مرگ تشنگی در بیابان گرم یک یا دو روز پرهیز کند.»  
 «همچنین چاه‌ها مقصد حیوانات وحشی مانند گرگ‌ها، کفتارها و روباه‌ها و مارها بزرگ است.» (الشارونی، ۲۰۱۰: ۶)

### ۹- اعتقادات روستاییان

در فرهنگ ایرانی، ادای نذورات از قدیم تاکنون بیشتر برخاسته از فرهنگ دینی مردم بوده است، یعنی در این فرهنگ، هر نذری به مرور زمان، رنگ خاص مذهبی پیدا کرده است. در داستان نخل، مرادی کرمانی اعتقادات روستاییان را بیان کرده است.

نمونه‌ای از آن از مرادی کرمانی:

«هر وقت باران نیاید طال (نوعی آدمک) درست می‌کنند.»

«طال آدمکی بود نم‌دبه‌دوش که کدویی به جای سرش بود و دور کدو را دستمال بسته بودند. به دست و پا و گردنش زنگوله آویزان کردند. به تنش پارچه‌ها و رخت‌های رنگ و اورنگ پوشاندند، و شبانه تو کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های آبادی گرداندند.» (مرادی کرمانی، ۱۳۷۹: ۷۰)

### ۱۰- پیمان شکستن

پیمان‌شکنی از گناهانی است که رشته اطمینان و اعتماد را در جامعه پاره می‌کند و زیربنای روابط اجتماع را سست می‌کند و این مسأله در داستان کور و گنج صحرا بیان شده است؛ مثلاً وقتی تاجر عبدالله پیمانی را که با مرد درویش بسته بود که نصف شتر خود را به او بدهد ولی در آخر به پیمانش وفا نکرد و خواست همه گنج و شتران مال خودش باشند.

نمونه‌ای از آن از یعقوب:

«تا لحظاتی دیگر مجبور می‌شوم این ثروت را از دست بدهم. چهل شتر پر از ثروت به اختیار خودم باید به این پیرمرد تحویل

دهم که هر وقتی که می‌خواهد می‌تواند به گنج برگردد و از این هرچه دلش می‌خواهد بردارد!» (الشارونی، ۲۰۱۳: ۲۲)

### ۱۱- الگو از زندگی

در داستان سورپرایز جشن آخر، ملاحظه می‌کنیم که نویسنده به موضوع خیلی مهمی توجه کرده است. اینکه الگوی زندگی چه نقشی مهمی در زندگی کودک دارد؛ مثل شخصیت دکتر سوسن که در داستان سورپرایز جشن آخر نقش پزشک روستای مغانه را داشت و با رفتارها و لبخندهایش می‌توانست محبت اهالی این روستا را جذب کند.

نمونه‌ای از آن از یعقوب الشارونی:

«محاسن دکتر سوسن را یاد کرده خانمی است که نزدیک‌ترین و محبوب‌ترین آدم پیش اهل این روستا محسوب می‌شود. لباس سفید و خوش‌تیپ قشنگش صورت خندان و واژه‌های ظریف وی را یاد کرده پس لبخند کوچک روی لب‌های آن ظاهر شده است و گفت: من می‌خواهم مثل دکتر سوسن یک پزشک شوم» (الشارونی، ۲۰۱۳: ۶).

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نتیجه بررسی و تحلیل پنج داستان از هوشنگ مرادی یعنی «خمره»، «نخل»، «مربای شیرین»، «تنور» و «چکمه» نشان می‌دهد که درون‌مایه‌های اصلی در داستان‌های «خمره»، «مربای شیرین» و «چکمه» بیشتر تربیتی-اخلاقی است، و در داستان‌های «نخل» و «تنور» درون‌مایه آموزشی و تربیتی بیشتر است. درون‌مایه‌های فرعی این داستان‌ها شامل آموزشی، مهارتی و اطلاعاتی است که تلاش بر این است که به تربیت کودکان، اطلاعات و مهارت یاد می‌دهد. همچنین نتیجه بررسی و تحلیل پنج داستان «کور و گنج صحراء»، «سورپرایز جشن آخر»، «گمشده در فئات»، «ارواح نیمه شب» و «حسنا و مار پادشاهی» هستند. که یعقوب با انتخاب درون‌مایه‌های اخلاقی-تربیتی و آموزشی-تربیتی و اطلاعات تاریخی است، درون‌مایه‌های فرعی نیز شامل اطلاعات و مهارت و اخلاق و تربیت هستند.

درون‌مایه‌های اصلی مشترک ده داستان هوشنگ مرادی کرمانی و یعقوب الشارونی شامل آموزشی-اخلاقی و آموزشی-تربیتی است، اما درون‌مایه‌های فرعی این ده داستان شامل آموزشی-اطلاعاتی و مهارتی و نیز اخلاقی و تربیتی است. تقریباً درون‌مایه‌های ده داستان آثار دو نویسنده هوشنگ مرادی کرمانی و یعقوب الشارونی کاملاً شبیه هم هستند و هیچ تفاوتی در درون‌مایه‌های ایشان نیست. درون‌مایه داستان‌های رئالیستی بیشتر حول محور فقر، بی‌عدالتی، عشق نافرجام و فساد قشر فرومایه شکل می‌گیرد. که این مضامین در داستان‌های نویسنده هوشنگ مرادی کرمانی و نویسنده یعقوب الشارونی دیده می‌شود.

مرادی کرمانی با استفاده از زبان طنز، داستان‌ها را دلنشین کرده و از تلخی دوری می‌کند. وی اساس آثار خویش را بر طنزپردازی بنا نهاده و بدین طریق به نقد مسائل اجتماعی پرداخته است؛ مسائلی مانند عشق، بی‌عدالتی و ظلم، درون‌مایه داستان‌های او را تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت واقع‌گرایی مشخصه برجسته آثار هوشنگ و یعقوب محسوب می‌شود.

این ده داستان از جمله نمونه‌های متفاوت در آثار هر دو نویسنده هستند. درون‌مایه هر ده داستان برگرفته از زندگی واقعی بشری است، به جز یک داستان به نام کور و گنج صحرا که تخیل‌گرا است. به طوری که مفاهیم اساسی زندگی را مانند طمع، کمک، تلاش کردن، شجاعت، عشق، فقر و محرومیت، ظلم و ستم تأیید می‌کنند.

نوع شخصیت‌ها، فضا و مکان و پیرنگ داستان در تقویت درون‌مایه تأثیر بسزایی داشته است و همه عناصر آن را تأیید کرده و در یک جهت حرکت می‌کنند.

هر دو نویسنده توانسته‌اند درون‌مایه را در طول اثر خود گسترش دهند و در عین حال تا پایان داستان‌ها کیفیت خود را از دست ندهند.

شخصیت‌های داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی و یعقوب الشارونی اغلب اهالی روستا هستند که داستان زندگی آن‌ها را

با زبانی بسیار ساده بازگو می‌کند. فضای داستان‌ها رنگ اقلیمی دارد، به‌ویژه با آوردن اصطلاحات محلی و بومی، کاملاً فضای داستان‌ها متمایز شده است و به کار بردن توصیفات بیرونی و عینی شخصیت‌ها، آن دو نویسنده را به یکدیگر نزدیک ساخته است. در داستان‌های مرادی کرمانی و الشارونی هر دو نویسنده با زاویه دید اول شخص ناظر، داستان‌ها را روایت می‌کنند. زبان الشارونی نسبت به زبان مرادی کرمانی ساده‌تر است. هر دو نویسنده در داستان‌هایشان بیشتر به دنبال انتقاد از اوضاع جامعه هستند؛ بنابراین درون‌مایه در آثار هر دو نویسنده به‌عنوان یکی از عناصر داستانی برجسته مطرح است. به نظر می‌رسد هدف مرادی کرمانی داستان‌نویسی نبود، داستان‌های مرادی کرمانی بیشتر خاطره‌گویی از دوران کودکی خود همراه با زبانی طنزآمیز است و نیز در داستان‌های او هیچ تصویری برای داستان‌ها نیاورده است، اما در داستان‌های یعقوب الشارونی تصویرهای زیادی و مناسب به موضوع داستان آورده است. در نهایت می‌بینیم که داستان‌های گروه سنی «ج، د» حاوی یک موضوع و چند درون‌مایه اصلی و فرعی است، چون قدرت عقلی کودک در این سن و سال قادر به تحلیل و ربط علل هر اتفاق یا حادثه‌ای به همدیگر است.

## منابع

- اسکولز، رابرت. (۱۳۷۷). *عناصر داستان*. ترجمه: فرزانه طاهری. چاپ اول. تهران: مرکز.
- الشارونی، هاله. (۲۰۱۶). *سحر الحکایه فی أدب یعقوب الشارونی القصصی*. دراسات فی أدب الأطفال. الناشر: دار العلوم للنشر والتوزيع. ص: ۷.
- الشارونی، یعقوب. (۲۰۰۵). *ارواح در نیمه شب*. قاهره: دار المعارف.
- \_\_\_\_\_ . (۲۰۱۳). *حسنا و مار پادشاهی*. قاهره: دار المعارف/
- \_\_\_\_\_ . (۲۰۱۳). *سورپرایز جشن آخر*. قاهره: دار المعارف.
- \_\_\_\_\_ . (۲۰۱۲). *گمشده در قنات*. قاهره: دار المعارف.
- \_\_\_\_\_ . (۲۰۱۲). *کور و گنج صحرا*. قاهره: دار المعارف.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۵). *دانشنامه ادب فارسی*. تهران: موسسه فرهنگی و انتشارات دانشنامه. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی.
- بهشتی فرد، فاطمه. (۱۳۹۰). «بررسی درون‌مایه‌های داستان‌های منثور دهه هشتاد ایران تألیف شده برای گروه سنی الف، ب و ج». نام رشته و رشته تحصیلی؟. نام دانشگاه و شهر؟.
- فاروق، عبد السلام. (۲۰۱۰). «یعقوب الشارونی». *نشریه الاهرام*. چاپ العربیه.
- قندهاری، شقایق. (۱۳۷۹). «کودک و نوجوان در مطبوعات کودک و نوجوان». *نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان*. شماره ۴۱، ۴۲، صص ۱۱۶-۱۱۸.
- گورویچ، ژرژ. (۱۳۶۹). *مسائل روان‌شناسی جمعی و روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه: علی محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
- میر صادقی، جمال. (۱۳۶۴، ۱۳۶۷). *عناصر داستان: مفهوم داستان، درون‌مایه، موضوع، حقیقت ماندنی*. ناشر: شفاء.
- مرادی کرمانی، هوشنگ. (۱۳۸۱). *تنور*. چاپ هفتم. تهران: معین.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱). *چکمه*. چاپ هفتم. تهران: معین.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱). *خمره*. چاپ هفتم. تهران: معین.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰). *مرئی شیرین*. چاپ ششم. تهران: معین.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۲). *نخل*. چاپ هفتم. تهران: معین.
- منصور، براهیم منصور. (۲۰۰۳). «صورة الطفل المصری فی أدب الأطفال» نقد ادبی. کامل کیلانی و یعقوب الشارونی نمودجاً. مصر